یادداشت روز

تعیین شرط با مقاومت یمن است نه شکست‌خوردگان سعودی

سفر «عمران‌خان» به تهران، سفر «پوتین» به ریاض و سفر چندی پیش «عبدالمهدی» به ریاض روی نقطه پایان دادن به جنگ یمن تمرکز داشته است اما ادامه بمباران یمن در حین این سفرها بیانگر آن است که طرفی که جنگ را شروع کرده است، به امتیاز نیاز دارد و این امتیاز هم در «میدان نظامی» قابل تحقق نیست و لاجرم باید در همین مذاکرات سیاسی تأمین شود. اما آیا عمران‌خان، پوتین و عبدالمهدی می‌توانند واسطه اعطای این امتیاز از جانب یمنی‌ها باشند؛ به فرض که یمنی‌ها نقش میانجی یا به قول نخست‌وزیر پاکستان «نقش کمک‌کننده» این سه را قبول داشته باشند، آیا مشت آنان را در مذاکرات آن‌طور که سعودی‌ها می‌خواهند، پر خواهند کرد؟ به جز این آیا آنچه را سعودی‌ها طی چند هفته اخیر در فضای گفتاری بیان کرده‌اند، در صحنه عملی پیاده خواهند کرد؟ سعودی‌ها در سال گذشته به نماینده دبیرکل سازمان ملل قول دادند که به توافق بین‌طرفین در استکهلم معتقد بوده و به آن التزام عملی خواهند داشت، اما با وجود آنکه از زمان برگزاری مذاکرات استکهلم -۳۰ آذر ماه ۹۷- نزدیک به ده ماه گذشته و طرف یمنی به تعهدات خود کاملاً عمل نموده، سعودی‌ها حتی یک گام هم به سمت آن برنداشته‌اند. در این خصوص نکاتی وجود دارد:

۱- اگرچه عمران‌خان نخست‌وزیر پاکستان تأکید دارد که از سوی هیچ‌کس به ایفای نقش میانجی دعوت نشده و این ابتکار خود اوست و با هدف حل مسالمت‌آمیز مسایل میان همسایگان، به ایران و عربستان سفر کرده است، اما تقریباً هیچ‌کس تردید ندارد که از او خواسته شده است تا شرایط موجود را به لحاظ آمادگی برای پایان دادن به جنگ یمن مورد بررسی قرار دهد. دیدار عمران‌خان رئیس‌حزب «تحریک انصاف» از تهران و عزیمت او از تهران به ریاض بیانگر آن است که تهران از او خواسته است تا برای حل مسئله اقدام کند. در همین جا یک سؤال مطرح می‌شود مبنی‌بر اینکه آیا ایران بدون مقدمه برگ مذاکراتی را به دست نخست‌وزیر پاکستان داده است؟ پاسخ آن بدون تردید منفی است، چرا که جمهوری اسلامی بسیار پیچیده‌تر از این عمل می‌کند و «بی‌گدار به آب نمی‌زند». بنابراین کشش مذاکراتی اولیه متعلق به ریاض است که تهران به طور جدی از آن استقبال کرده است. کما اینکه بعضی تحولات هفته‌های اخیر در مراودات سیاسی نیز از همین منطق پیروی می‌کنند.

عمران‌خان «دوست مشترک» به حساب می‌آید. کما اینکه «پاکستان» در پرونده‌هایی که مستقیم یا غیرمستقیم به ایران ربط پیدا می‌کند، یا نقش همراه داشته و یا به صورتی عمل کرده که ناراحتی مقامات ارشد ایران را برنیانگیزد. عمران‌خان در تهران طرح چهار ماده‌ای ایران را - که در فرمایشات رهبر معظم انقلاب به آن تصریح شد- دریافت کرد که شامل توقف جنگ، شروع گفت‌وگوهای بدون واسطه یمنی-یمنی، تشکیل دولت وحدت ملی و برگزاری انتخابات پارلمانی بود. منطق و ماهیت طرح ایران به طور خلاصه ناظر به پایان دادن به جنگ ظالمانه یک طرفه‌ای است که ۴۳ ماه از آغاز آن می‌گذرد و نیز حل داخلی مسائل یمن است که این هر دو در عین اینکه کلید حل مسئله است، عملی‌ترین اقدام هم در حل مسئله به حساب می‌آیند. در واقع ایران معتقد است با توقف جنگ و «جان‌گرفتن» مذاکرات یمنی‌ها با یکدیگر هر موضوعی قابل بحث و توافق خواهد بود و در این میان دخالت دیگران در این امور باید صرفاً «تسهیل‌گر» و «پشتیبانی‌کننده» باشد.

۲- سفر ولادیمیر پوتین به ریاض هم اگرچه توأم با بیش از ۲۰ قرارداد تجاری با طرف سعودی بود، اما در عین حال براساس آنچه از خبرها برمی‌آید، بیشترین وقت رئیس‌جمهور مقتدر روسیه به بحث لزوم پایان یافتن جنگ خونین رژیم سعودی علیه یمن سپری شده است. تا پیش از این، روسیه در پرونده یمن عملاً نقشی نداشت. روسیه حتی در جریان صدور قطعنامه ۲۲۱۶ شورای امنیت سازمان ملل علیه یمن اگرچه -از میان ۱۵ عضو آن- تنها کشوری بود که رأی ممتنع داد، اما در عمل راه را برای جنگ علیه یمن باز کرد و در واقع در نقطه مقابل عربستان قرار نگرفت. در این فاصله روسیه یک بار با جبهه مقاومت «مشق همکاری» کرد و آن در پرونده سوریه بود که از قضا ایفای نقشی در نقطه مقابل نقش دولت سعودی بود و در نهایت به یکی از افتخارات روسیه و پوتین تبدیل شد. سفر ولادیمیر پوتین به ریاض نشان می‌دهد که سه سال پس از جنگ یمن، مسکو متوجه اهمیت این کشور در تحولات منطقه شده است. اگرچه پیش از این لااقل دوبار هیئت انصارالله با مقامات ارشد روسیه در مسکو دیدار کرده و روابط اولیه را با روسیه برقرار نموده است، اما ورود پوتین به پرونده یمن در هفته اخیر یک اقدام اساسی به حساب می‌آید که اگر با قبول طرف سعودی مواجه گردد، «راهبردی» نیز خواهد بود. بر این اساس برای آنکه شبهه‌ای درباره اهداف سفر پیش نیاید، رئیس‌جمهور روسیه گفت: «ایران و عربستان برای برقراری دوباره رابطه نیازی به واسطه ندارند.» در عین حال با توجه به وزن سیاسی پوتین در مقایسه با وزن سیاسی عبدالمهدی و عمران‌خان و به خصوص عدم وجود رابطه صمیمانه پیشین بین آنان و خاندان سلمان این احتمال به طور جدی‌تر وجود دارد که فرمولی از مذاکرات میان پوتین و سلمان ناظر بر توقف جنگ به دست آید.

۳- بعضی در داخل ایران روی روابط ایران و عربستان تمرکز کردند و به آمارها و نشانه‌هایی اشاره کردند که از تمایل سعودی برای از سرگیری رابطه با ایران حکایت می‌کرد و بعضی دستگاه‌ها در ایران نیز روی لزوم فعال‌سازی رابطه تهران-ریاض تمرکز کردند که اگرچه فی‌نفسه امر مذمومی به حساب نمی‌آید، اما واقعیت این است که -منهای بحث یمن- نه سعودی‌ها به طور واقعی خواستار بهبود روابط با تهران هستند و نه اینکه اقدام یک‌جانبه ایران می‌تواند روابط سیاسی میان دو کشور را گرمی ببخشد. به نظر این قلم سعودی‌ها به دلایلی که به آن اشاره خواهد شد، برقراری رابطه با ایران را برای حل مشکل خود در یمن مطابق الگوی ریاض می‌خواهند و در شرایط فعلی، خود رابطه با تهران برای آنان موضوعیت ندارد. در واقع عربستان می‌خواهد برقراری مجدد رابطه با ایران را به تهران بفروشد و مابه‌ازای آن را وادار شدن انصارالله به پذیرش طرح ضدیمنی دولت سعودی قرارداده است! این در حالی است که از یک‌سو خواسته سعودی‌ها از یمنی‌ها «زیاده‌خواهانه» و غیرعملی است و از سوی دیگر رابطه ایران با یمنی‌ها یک رابطه استعماری نیست که تهران خواسته خود را به آنان دیکته کند. بعضی گمان کرده‌اند با آغاز دوباره رابطه میان ریاض و تهران، دو کشور می‌توانند در پرونده یمن به راه‌حل برسند و به فرمول‌های مرضی‌الطرفین دست یابند در حالی که به طور واقعی، سعودی تقدم رابطه با ایران را بر بحث درباره یمن قبول ندارد و لذا هرگاه بحث رابطه می‌کند، بلافاصله از لزوم قطع «مداخلات!» ایران سخن می‌گوید که به معنای واگذاری پرونده یمن به ریاض است.

۴- طرحی که سعودی‌ها دنبال می‌کنند ظاهری و باطنی دارد که به طور کلی با هم متفاوت هستند سعودی برخلاف ایران که می‌گوید اول توقف جنگ، روی پذیرش منصور هادی به عنوان تنها فرد مشروع یمنی تأکید دارد. این به آن معناست که سعودی در مذاکره سیاسی با طرف‌های مختلف با همان منطق جنگ سخن می‌گوید. یعنی می‌جنگد برای اینکه رژیم وابسته را تحمیل کند و مذاکره می‌کند تا همین رژیم را بر کرسی بنشاند. مقامات سعودی در مذاکرات گفته‌اند طرف‌های یمنی روی ریاست‌جمهوری و دولت موقت به ریاست منصور هادی توافق کنند -یعنی انصارالله به هادی تمکین کند- و دولت و مجلس و ارتش سابق برگردند و پس از شش ماه انتخابات مجلس قانون‌گذاری برگزار شود و براساس آراء، ریاست‌جمهوری و کابینه تشکیل شود و درباره ترتیبات اداره کشور تصمیم بگیرند و ضمناً در این مدت کل کشور یمن در اختیار دولت و ارتش تحت فرمان منصور هادی باشد.

اما این طرح در واقع برای تحمیل دائمی دولت وابسته به سعودی و از بین بردن مقاومت مردم یمن و هدر دادن خون نزدیک به صد هزار انسان شریفی است که برای عزت و استقلال یمن به شهادت رسیده‌اند. قید شش ماه که از سوی سعودی‌ها مطرح می‌شود، در عمل دربردارنده محدودیت زمانی نیست کما اینکه کلمه «انتخابات» که در طرح آنان آمده به معنای برگزاری انتخابات حین شش ماه و تن دادن به نتایج آن نیست. مدت شش ماه حتی می‌تواند به چند سال منتهی شود کما اینکه دولت منصور هادی که براساس طرح موسوم به مبادره خلیجی در سال ۲۰۱۲ قرار بود شش ماهه باشد، تا ۲۰۱۵ ادامه یافت و هنوز هم سعودی‌ها از قانونی بودن این دولت سخن می‌گویند و درصدد تداوم آن هستند.

دوره شش ماهه می‌تواند با رضایت یا بدون رضایت طرف‌های یمنی تمدید گردد و یا در این میان با گروهی وابسته‌تر جابه‌جا شود. انتخابات هم با همین کیفیت می‌تواند بارها به تأخیر بیفتد و حتی هیچ‌گاه برگزار نشود و یا مجلس منحله سال ۲۰۱۵ تا مدت‌های مدید دیگر امتداد پیدا کند.

نکته مهم دیگر تحویل مراکز استان‌ها و شهرستان‌های شمالی به منصور هادی و بخشی از ارتش به فرماندهی سرلشکر محسن الاحمر که به شدت به سعودی وابسته بوده و دستش تا مفرق به خون یمنی‌ها آغشته است، در واقع از بین بردن امنیت نیروهای جهادی است و اگر آنان به این تن دهند و یا حتی به حداقلی از این هم تن دهند -که تردد آزاد عناصر نظامی و امنیتی وابسته به محسن الاحمر در استان‌های شمالی است- مقدمات نابودی خود را فراهم کرده‌اند. ترک کردن میدان جهاد آن هم در شرایطی که مقاومت یمنی‌ها رژیم سعودی و پشتیبانان غربی و عربی آن را به ستوه درآورده است و اعتراف به مشروعیت منصور هادی، اعتبار نیروهای جهادی و داعیه‌های آنان را لطمه می‌زند و از آن پس مردم به فراخوان آنان در مسایل امنیتی یا سیاسی اعتماد نکرده و از آن پشتیبانی نمی‌نمایند. از سوی دیگر چنین توافقی به نیروهای امنیتی و نظامی وابسته به سعودی و امارات امکان می‌دهد تا نیروهای جهادی را به نحوی که چندان بازتاب اجتماعی هم نداشته باشد، یکی‌یکی قلع و قمع نمایند.

۵- البته سعودی‌ها که متوجه شدند طرح آنان با اشکالات عمده مواجه است، کمی عقب نشستند و مثلاً از «آتش‌بس» سخن به میان آوردند که معنایی متفاوت از توقف جنگ دارد و نیز به جای خلع سلاح کامل نیروهای خارج از دولت، از تحویل سلاح‌های سنگین سخن می‌گویند که در عمل تفاوتی با ادامه جنگ و نیز با خلع سلاح مقاومت ندارد و از این رو یمنی‌ها یک روز پس از آنکه یکی از مسئولان میانی یمن، به اشتباه از موافقت انصارالله با آتش‌بس سخن گفت، رهبری انصارالله طی بیانیه‌ای و نیز طی اظهارات متعدد، آن را رد کرده و گفت به چیزی کمتر از توقف کامل جنگ به عنوان شرط آغاز هر نوع و هر سطح از مذاکره تن نمی‌دهد.

عربستان البته در شرایطی نیست که بتواند نوع مذاکره و نتایج آن را تعیین کند. توقف کامل صادرات نفت آرامکو در استان الشرقیه که طی حملات به الشیبه و بقیق و حریص روی داد، میزان آسیب‌پذیری این کشور را به همه نشان داد و تداوم و تصعید حملات موشکی و پهپادی انصارالله هم از توان بالای مقاومت یمنی‌ها خبر داد. بنابراین در وضعیت فعلی آنکه می‌تواند شروطی را تعیین کند، مقاومت یمن است نه شکست‌خوردگان سعودی.

سعدالله زارعی

بازتاب گسترده داخلی و خارجی دستگیری زم

سرویس سیاسی- **دستگیری سرکرده کانال ضدانقلاب «آمدنیوز» در داخل کشور و خارج از کشور و همچنین در رسانه‌های خارجی بازتاب گسترده‌ای به همراه داشت.**

سپاه پاسداران روز دوشنبه با انتشار بیانیه‌ای از دستگیری روح‌الله زم، مؤسس کانال ضدانقلاب آمدنیوز خبر داد. ساعاتی پس از آنکه نخستین فیلم از دستگیری این فعال ضدانقلاب و اولین صحبت‌های او پس از دستگیری نیز در رسانه‌ها منتشر شد، نمایندگان مجلس شورای اسلامی در بیانیه‌ای از اقدام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در دستگیری شبکه معاند آمدنیوز قدردانی کردند. همچنین رئیس قوه قضائیه در بیانیه‌ای موفقیت‌های اخیر سپاه پاسداران را تبریک گفت.

روز گذشته نیز یکی از مسئولان عملیات سازمان اطلاعات سپاه که طی آن سرشبکه «آمدنیوز» دستگیر شد، ابعاد جدیدی از این اقدام را تشریح و تصریح کرد: «فرد دستگیرشده کانون تلاقی و تبادل پیام در شبکه تغذیه و پشتیبانی جریان آمدنیوز در داخل و خارج کشور بوده و در اختیار گرفتن وی می‌تواند شناسایی و انهدام مجموعه‌این شبکه را به دنبال داشته باشد.»

همزمان با پوشش خبری رسانه‌های داخلی در ماجرای دستگیری زم، کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی نیز روز گذشته بیانیه‌ای منتشر و اعلام کرد: «کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس از اقدام انقلابی و افتخارآمیز سازمان اطلاعات سپاه پاسداران در بازداشت، دستگیری و بازگرداندن سرشاخه سایت ضدانقلاب و معاند آمدنیوز تقدیر و تشکر می‌کند و این اقدام را کمتر از سقوط پهپاد آمریکایی‌ها و یا به زمین نشاندن ریگی تروریسم نمی‌دانیم؛ چراکه این فرد پهپاد رسانه‌ای آمریکایی‌ها بود که توسط سپاه شکار شد. بنابراین یک‌بار دیگر سپاه پاسداران پهپاد آمریکایی‌ها را منهدم کرد، اما این بار پهپاد رسانه‌ای آمریکایی را متلاشی کرد.»

واکنش کاربران فضای مجازی

گفتنی است کاربران فضای مجازی نیز به خبر دستگیری روح‌الله زم و به دست گرفتن کانال تلگرامی آمدنیوز توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی واکنش نشان داده و از طریق صفحات اجتماعی از سپاه پاسداران تشکر کردند.

یکی از کاربران در توئیتر خود نوشت: «تنها پیام درست و صحیحی که از کانال لجن‌نیوز منتشر شد. روح‌الله زم سرنخی است برای رسیدن به افراد فاسد و لجن‌پراکن و البته آشناهایی که در این نظام نفوذ کردند!» یا کاربر دیگری به نام رفیق نوشت: «آقایون و خانوما برید کانال آمدنیوز لذتشو ببرید افتاده دست بچه‌های سپاه». کاربر دیگری نوشت: «دشمنی دشمن که مشخص بود اما فریب‌خورده‌هایی که گول این‌ها را خوردند باید بدانند نتیجه بازی در پازل دشمن چیزی جز رسوایی نیست!»

یکی از کاربران هم عنوان کرد: «کار بزرگ سازمان اطلاعات سپاه آنجایی بهتر فهمیده می‌شود که بدانید روح‌الله زم تحت چتر امنیتی مستقیم ۳ سرویس اطلاعاتی فرانسه، آمریکا و اسرائیل بوده و سپاه او را بدون اینکه خودش و آن ۳ سرویس مقتدر متوجه عملیات فریب شوند به داخل ایران کشانده و دستگیر کرده است. دستمریزاد واقعاً...»

هذیان‌گویی رسانه‌های معاند و اپوزیسیون

رسانه‌های خارجی به دستگیری روح‌الله زم، واکنش‌های مختلفی نشان دادند. رسانه‌های معاند مانند بی‌بی‌سی، تایمز اسرائیل، نیویورک‌تایمز، العربیه، میدل‌ایست‌آی، نیوعرب و... خبر دستگیری زم را پوشش دادند. گفتنی است برخی رسانه‌های اپوزیسیون نیز از خبر دستگیری وی، دچار شک و بهت شده و به تحلیل‌های عجیب و غریب و هذیان‌گویی روی آوردند به حدی که کارشناس شبکه سعودی ایران اینترنشنال در تحلیل خود از دستگیری زم گفت که «از آنجا که در بیانیه صادره از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به ایام اربعین اشاره شده، پس روح‌الله زم در عراق دستگیر شده است!»

شوک رسانه‌های عربی

دستگیری روح‌الله زم ضربه سنگینی به سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه وارد کرد و رسانه‌های معاند عرب‌زبان تا ساعت‌ها پس از انتشار این خبر در رسانه‌های داخلی و حتی کانال آمدنیوز که از هک آن حکایت داشت، آن را سانسور کرده بودند. با وجود این، ضربه اطلاعات سپاه به معاندان به حدی آشکار بود که آنها نمی‌توانستند از کنار آن به‌سادگی رد شوند و شبکه الجزیره نخستین رسانه عرب‌زبانی بود که در کانال تلگرامی خود خبر را بازتاب داد.

بر اساس گزارش آنا، دقایقی پس از انتشار این خبر، کانال تلگرامی «خلیج آنلاین» و «لبنان دیبیت» نیز به انتشار خبر دستگیری زم اقدام کردند و نوشتند: اپوزیسیون خارج‌نشین ایران بازداشت و در یک عملیات چندوجهی اطلاعاتی به داخل کشور منتقل شد.

العربیه وابسته به عربستان سعودی نخستین شبکه‌ای بود که خبر بازداشت مالک کانال تلگرامی آمدنیوز را مفصل‌تر منتشر کرد. العربیه با انتشار بیانیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نوشت: روح‌الله زم که نقش عمده‌ای در پوشش اعتراضات سال‌های گذشته ایران داشت به‌وسیله سپاه پاسداران بازداشت شد.

این شبکه افزود: زم خبرنگار و فعال اصلاح‌طلب و نزدیک به «جنبش سبز» بود که پس از خروج (فرار) از ایران در فرانسه اقامت گزید و کانال آمدنیوز را برای انتشار اخبار محرمانه حکومت ایران راه انداخت.

شبکه سعودی «ایران اینترنشنال» که دفتر آن در لندن قرار دارد سپس به این خبر پرداخت و نوشت: سپاه پاسداران (ایران) از هدایت مالک کانال آمدنیوز به ایران و بازداشت وی در داخل کشور خبر داد؛ موضوعی که حیرت کارشناس این شبکه ضدایرانی را برانگیخت.

دیگر رسانه‌های خبری کشورهای مرتجع منطقه نیز ترجیح دادند که برای سرپوش گذاشتن بر این فضاحت بزرگ اطلاعاتی، خبر بازداشت روح‌الله زم را در رسانه‌هایشان منتشر نکنند. با وجود این، خبرنگاران این رسانه‌ها در حساب‌های کاربری خود در توییتر به این موضوع پرداخته‌اند. به‌عنوان نمونه «علی رضوان‌الاسد» فعال مجازی عرب‌زبان در توئیتر و فیس‌بوک خود نوشت که دستگاه اطلاعاتی ایران با هک کانال آمدنیوز خبر دستگیری روح‌الله زم را در آنجا منتشر کرد.

معماران آمریکایی برجام: ایران بدون توافق تکمیلی انتظار رفع تحریم نداشته باشد

دو نفر از معماران اولیه مذاکرات هسته‌ای با ایران در یادداشتی روز دوشنبه هرگونه انتظار از سوی تهران مبنی بر رفع تحریم‌ها بدون موافقت با نوعی «توافق تکمیلی» را «غیرعملی» توصیف کرده‌اند.

«ویلیام برنز» و «جک سالیوان»، دو دیپلمات کهنه‌کار آمریکایی در بخشی از یادداشت مشترک خود که دوشنبه در «نیویورک‌تایمز» منتشر شده علی‌رغم اذعان به اینکه دولت کشورشان بدون توجه به پایبندی کامل ایران به توافق هسته‌ای «برجام» از این توافق خارج شده، هرگونه انتظار از سوی تهران مبنی بر رفع تحریم‌ها بدون موافقت با نوعی «توافق تکمیلی» را «غیرعملی» توصیف کرده‌اند.

«ویلیام برنز»، معاون اسبق وزیر خارجه آمریکا است و در حال حاضر ریاست اندیشکده کارنگی را به عهده دارد. «جیک سالیوان»، از اعضای ارشد این اندیشکده است و در دولت سابق آمریکا مشاور معاون رئیس‌جمهور در امور امنیت ملی بود. هر دو مقام سابق آمریکایی از جمله مبتکران آغاز گفت‌وگوی هسته‌ای با ایران بوده‌اند.

به گزارش فارس، آنها در ابتدای یادداشت خودشان در نیویورک‌تایمز یادآوری کرده‌اند که ۶ سال پیش در همین ماه در حال انجام گفت‌وگوهایی با ایران بوده‌اند که در نهایت به توافق هسته‌ای برجام منجر شده است.

برنز و سالیوان علی‌رغم اذعان به اینکه دولت آمریکا علی‌رغم پایبندی ایران به برجام از این توافق خارج شده، وضعیت فعلی را محصول «انتظارات غلط» از سوی هر دو طرف دانسته‌اند. آنها نوشته‌اند: «اکنون ما در مرحله خطرناکی هستیم. داستان این‌که ما چطور به اینجا رسیده‌ایم به انتظارات غلط از هر دو طرف برمی‌گردد.»

دیپلمات‌های کهنه‌کار آمریکایی ادعا می‌کنند: «ایران تصور کرد می‌تواند تا زمان خروج ترامپ از توافق صبر کند و ایالات متحده با روی کار آمدن رئیس‌جمهور دیگر در سال ۲۰۲۱ به سادگی به برجام بازخواهد گشت. اما فشار تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا قابل‌توجه‌تر از آن چیزی بود که ایران پیش‌بینی کرد... مشخص شد که طرف‌های اروپایی توافق هسته‌ای هم تا حد زیادی قادر به جبران این تحریم‌ها نبودند.»

برنز و سالیوان درباره انتظارات غلط طرف آمریکا هم نوشته‌اند: «دولت ترامپ هم به سهم خود این باور غیرواقع‌بینانه را داشت که کارزار فشار حداکثری و اقدامات تهدیدآمیزش ایران را به زانو زدن و قبول شرایط آمریکا وادار خواهد کرد. اما نمی‌دانست که ایران هم کارت‌های خاص خودش را برای بازی دارد.»

مقام‌های سابق وزارت خارجه آمریکا در این یادداشت تأکید کرده‌اند برای خروج از این مسیر بایستی به دیپلماسی رو بیاورند. در این یادداشت آمده است: «اگر بر همین رویه باقی بمانیم، به زودی به لبه پرتگاه می‌رسیم. مسائل سیاستی که در واشنگتن درباره آنها بحث می‌شود اغلب درباره این است که کمربند ایمنی بپوشیم یا خیر. به جای این کار باید، قبل از آنکه دیر شود فرمان دیپلماسی را به دست بگیریم و به سمت مسیر کم‌تنش حرکت کنیم.»

برنز و سالیوان در ادامه پیشنهاد کرده‌اند که هر دو طرف در انتظارات خودشان تجدیدنظر کرده و به اقدامات گام به گام برای تنش‌زدایی رو بیاورند. آنها در ادامه خاطرنشان کرده‌اند: «ایالات متحده بدون نوعی تخفیف در تحریم‌ها - خواه به‌صورت مستقیم یا با وساطت اتحادیه اروپا- قادر به آوردن ایران پای میز مذاکره نخواهد بود. ایالات متحده علاوه بر این باید ۱۲ پیش‌شرط پمپئو برای مذاکره با ایران که پمپئو سال گذشته اعلام کرد را رها کند. رژیم سرسخت و کاردان ایران چنین اعلانیه‌های تسلیم‌آمیزی را صادر نخواهد کرد.»

این دو دیپلمات آمریکایی که جزو معماران برجام هستند، علی‌رغم اذعان به پایبند نبودن دولت کشورشان به مفاد برجام به ایران پیشنهاد کرده‌اند با برخی از شرایط جدیدی که دولت ترامپ مطرح کرده مانند تمدید برخی چارچوب‌های زمانی در توافق، یا مسائل راستی‌آزمایی و موشک‌های بالستیک موافقت کند.

آنها می‌نویسند: «لازم است ایرانی‌ها هم واقع‌بین‌تر شوند. تصور موافقت ایالات متحده با رفع تحریم‌ها، بدون ضمانت‌هایی از جانب ایران مبنی بر آغاز فوری مذاکرات بر سر یک توافق تکمیلی که در آن دست‌کم چارچوب‌های زمانی توافق تمدید شده و به مسائل راستی‌آزمایی و موشک‌های بالستیک ایران پرداخته می‌شود، غیرعملی است.»

خبر ویژه

مردم از شما مدیریت می‌خواهند نه قربانی، آقای روحانی!

فقدان گزارشی قابل عرضه و استفاده برای مردم در گفت‌وگوی روحانی با خبرنگاران موجب شد روزنامه‌های حامی دولت، تیتری غلط‌انداز را برای این سخنان انتخاب کنند.

آقای روحانی روز دوشنبه، پس از ۲۰ ماه (بالغ بر ۶۰۰ روز) دوری گزیدن از رسانه‌های داخلی، به جمع خبرنگاران آمد. اما مجموع اظهارات وی، فاقد گزارش ملموس از کارنامه و دستاوردهای دولت بود. به همین دلیل هم روزنامه‌های حامی دولت، به جای تیتر کردن اظهارات اقتصادی روحانی ترجیح دادند، قسمتی مبهم و شاعرانه از سخنان وی را تیتر کنند. روحانی مجدداً با پیش‌کشیدن موضوع مذاکره با آمریکا گفت: «هر زمانی که بدانم ملاقاتی و جلسه‌ای مشکل ملت ایران را حل می‌کند و منافع ملت ایران را تأمین می‌کند، در آینده هم این کار را خواهم کرد و آماده هستم برای فداکاری و ایستادگی و افتخار می‌کنم که برای منافع ملی و ملتم، قربانی شوم.»

روزنامه‌های بزک‌کننده برجام اما با حذف موضوع سخن روحانی، به نحوی تیتر زدند که ناظر به اظهارات مجادله‌برانگیز وی درباره مباحث سیاسی داخلی باشد.

- روزنامه ایران: آماده‌ام برای ملتم قربانی شوم. (بدون هیچ اشاره‌ای به بحث مذاکره و پرداختن به سوتیترهای اختلاف داخلی)

- آفتاب یزد: برای تأمین منافع مردم حاضرم قربانی شوم.

- سازندگی: شورای نگهبان نظارت کند، نه دخالت- آماده‌ام قربانی شوم(!)

برخی روزنامه‌های دیگر نیز از سخنان اختلاف‌برانگیز و ابهام‌برانگیز روحانی در مسائل داخلی تیتر زدند.

این اظهارات مبهم و اصرار نشریات حامی بر ابهام و شبهه‌انگیزی بیشتر، سایت جهان‌نیوز نوشت: آقای روحانی، بعد از نزدیک دو سال اقدام به برگزاری نشست خبری کرد. این نشست هم با سخنان جالب توجهی درخصوص گرانی قیمت ارز و سایر کالاها در کشورمان و سقوط ارزش ریال و موارد دیگر همراه شد. دومین نکته‌ای که آقای رئیس جمهور به آن اشاره کرد، موضوع قربانی شدن وی بود.

این برای دومین بار است که روحانی در ماه‌های اخیر از قربانی کردن خود برای منافع ملت صحبت کرده است.

روحانی مطرح کرد که «آماده‌ام که برای ملتم برای منافع ملی قربانی شوم.»

همین موضوع را پاد «پایگاه اطلاع‌رسانی دولت» نزدیک یک ماه پیش در صفحه توئیتری خود منعکس کرد که نگاهی به کامنت‌هایی که زیر این پست پایگاه دولت از سوی کاربران این شبکه اجتماعی درج شده است، نشان می‌دهد که چندان واکنش مثبتی به این سخنان رئیس جمهور وجود ندارد.

جهان‌نیوز ادامه می‌دهد: این سخنان ابهاماتی هم دارد. این که چه جلسه‌ای قرار است انجام بگیرد که رئیس جمهور قرار است در آن حضور یابد و قربانی شود یکی از ابهامات این سخنان است. دولتمردان باید به‌جای سخنان معماگونه، با مردم صادقانه و شفاف صحبت کنند موضوعی که همواره دولت شعار آن را داده و دولتمردان از شفافیت و محرم دانستن مردم صحبت کرده‌اند. اینکه با سخنانی معماگونه و ابهام‌انگیز مسئول اول دولت صحبت کند و سپس مردم را دچار سردرگمی کند نه برای کشور خوب است نه در اداره مشکلات و مصائبی که امروز مردم گرفتار آن هستند گشایش ایجاد می‌کند. در واقع بیشتر گره‌ای می‌شود در گره‌ها و مشکلات دیگر.

از سوی دیگر سؤال اینجاست که چرا باید روحانی خود را قربانی کند. متاسفانه مردم بعضا دچار مشکل و قربانی برخی اهمال‌کاری‌های همین مسئولان هستند. از این جهت بیشتر از این‌که رئیس جمهور خود را قربانی کند، نیازمند مدیریت درست است تا مردم قربانی روند مشکل‌آفرین نشوند.

متاسفانه ابهامات زیادی در حوزه‌های مختلف مدیریتی وجود دارد. ابهامات سبب شده تا بسیاری از افراد در سایه همین موضوع دست به سودجویی بزنند.

اهمال‌کاری‌ها در حوزه‌هایی مانند مسکن با حمله به مسکن مهر، حوزه خودروسازی که بازار خودرو را آشفته و هر روز شاهد قیمتی برای خودرو هستیم و همچنین عدم خصوصی‌سازی صحیح که باعث بحران کارگری و بیکار شدن آنها می‌شود، نمونه‌ای از این اهمال‌کاری‌هاست که در آن متاسفانه مردم قربانی شده‌اند.

مگر آمدنیوز کدام خیانت را کرد که زنجیره‌ای‌ها مرتکب نشده باشند

یک روزنامه زنجیره‌ای، از اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به‌خاطر بازداشت مدیر کانال ضدانقلابی آمدنیوز تشکر کرد.

الیاس حضرتی در ستون «نقد و نظر»(!) روزنامه اعتماد و در یادداشتی با عنوان «برادران، دستمریزاد» می‌نویسد: از خبری که دیروز منتشر شد، خیلی‌ها خوشحال شدند. نه فقط دل بچه حزب‌اللهی‌ها و انقلابی‌ها از به دام افتادن سردمدار «آمدنیوز» شاد شد، بلکه مردم کوچه و بازار هم از اینکه شنیدند شر مزاحمی التهاب‌آفرین و بدخواه کشور از سرشان کم شد، احساس خرسندی کردند. مردم ایران البته مهربانند و از به مخمصه افتادن دیگران شاد نمی‌شوند، اما متاسفانه قصه روح‌الله زم متفاوت از دیگران است. او به راه خطا رفت، به پند خیرخواهان اعتنا نکرد، از روزگار درس نگرفت و بر خبط و خطاهای مستمرش بلکه بر مزاحمت‌های شرم‌آورش اصرار ورزید. کاری که آمدنیوز می‌کرد، کار رسانه‌ای نبود، ربطی هم به مردم ایران نداشت. آمدنیوز نه تنها صدای مردم و جریان‌های سیاسی را بازتاب نمی‌داد، بلکه حتی نمی‌توانست منتقدان و مخالفان جمهوری اسلامی را نمایندگی کند.

از یک‌جایی به بعد حتی مخالفان جمهوری اسلامی سعی کردند حساب خودشان را از حساب این سایت پر از دروغ و کینه جدا کنند. در واقع کار اصلی این «رسانه‌نما» ایجاد التهاب در دل مردم، تقویت خشم و کینه آحاد جامعه نسبت به یکدیگر بود. خدا را شکر خیلی زود دست آمدنیوز برای مردم رو شد و عموم مردم فریفته دروغ‌ها و مجعولات او نشدند. این شبکه گاهی با انتشار دروغ‌های راست‌مانند سعی می‌کرد بین مردم و مسئولان شکاف ایجاد کند و اعتماد عمومی را از بین ببرد.

اصل و عظمت کار در آن بخش‌های ناپیداست که پاسداران گمنام امام زمان توانستند، سرویس‌های اطلاعاتی اروپا و حامیان مالی- فکری آمدنیوز را بفریبند و ایشان را در دام بیندازند. از این جهت به برادران پاسدار خسته نباشید عرض می‌کنم و از صمیم قلب توفیق و سربلندی‌شان را آرزو می‌کنم. اما در پایان بی‌مناسبت نیست که این نکته را مجدداً یادآور شوم که خوب است علاوه بر چنین اقداماتی راه تکرار بر خطا ببندیم و اصلا امکان رشد و پروبال گرفتن رسانه‌نماهای معاند را بگیریم. با اصلاح ساختاری رسانه‌ها و همچنین اصلاح نگاه مقامات به این مقوله و اصلاح رسانه ملی و... می‌توانیم فضایی مملو از نشاط و آزادی و همدلی بیافرینیم که در آن امکان نفوذ و رسوخ جریان مزاحمی چون آمدنیوز منتفی شود.

باید از مدیر روزنامه اعتماد پرسید مگر باند آمدنیوز در پشت نقاب رسانه، کدام خیانت را مرتکب شدند که نشریات زنجیره‌ای مدعی اصلاح‌طلبی مرتکب آن نشده‌اند؟ اگر کار باند روح‌الله زم، تولید و انتشار شایعه، ترور شخصیت نظام، تحریک به آشوب و ایجاد ناامنی و عدم تمکین از قانون بود - که همین است - نشریات زنجیره‌ای از سال ۷۶ تا به امروز و به تناسب همین ماموریت را دنبال کرده‌اند. آنها چه در سال ۷۸ و چه در سال ۸۸، آتش‌بیاران اصلی تحریک به فتنه و آشوب و ایجاد تردید و بی‌اعتمادی در اذهان عمومی بودند.

در عین حال اگر روح‌الله زم از کشور گریخت و علناً در خدمت سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه درآمد، همکاران متعددی در نشریات زنجیره‌ای و از جمله روزنامه اعتماد همین مسیر را طی کردند و هم‌اکنون با بی‌بی‌سی، رادیو فردا و... همکاری می‌کنند. اگر هم آمدنیوز از برخی پروژه‌های بی‌بی‌سی و نظیر آن رونویسی می‌کرد، متاسفانه همین کار قبیح عیناً در روزنامه اعتماد هم بارها اتفاق افتاده است.

باید از پدرخوانده‌های مجمع روحانیون و شورای عالی اصلاح‌طلبان عبور کنیم

یک سایت مدعی اعتدال خواستار عبور از دیکتاتورهای شورای عالی اصلاح‌طلبان و پدرخوانده‌های مجمع روحانیون شد.

انتخاب ضمن انتشار گزارشی ویدئویی با عنوان «دیکتاتورهای خسارت‌ساز/ چرا باید از مجمع روحانیون و شورای عالی اصلاح‌طلبان عبور کرد؟»، نوشت: طی هفته گذشته محمدعلی ابطحی، معاون رئیس دولت اصلاحات از دیدار میان شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان با مجمع روحانیون مبارز